

عوامل موثر بر افزایش قاچاق کالا و روش مبارزه با آن

با عنایت به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۵

دکتر عباس خندان^{۱۹}

abbaskhandan@gmail.com

چکیده

موضوع این مقاله تحقیقی روابط بین مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. انواع قاچاق در حدودی که مرتبط با این موضوع است بررسی شده و نیز به انگیزه‌های قاچاقچیان چه در قالب فردی و گروهی و چه سازمان یافته و حرفه ای پرداخته شده است.

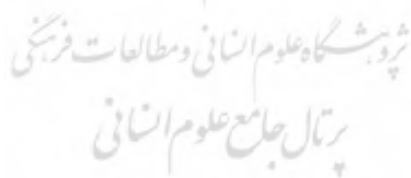
نخست باید توجه کرد که چرا تقاضا برای کالاهای خارجی به‌ویژه قاچاق وجود دارد. کیفیت بالاتر و قیمت ارزانتر مهمترین دلایل ارجحیت این نوع از کالاهاست. یک دلیل عمده دیگر برای قاچاق سازمان یافته رانتهی است که در واردات غیررسمی و دور زدن قوانین دولتی وجود دارد. دولت می‌باید تا حد امکان با کاهش حجم، شفاف‌سازی و بروزرسانی مقررات دولتی رانت موجود در قاچاق را از بین ببرد.

رویکرد و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌تواند در پیشگیری یا مقابله با قاچاق در همه ابعاد و صورت‌های آن رهگشا باشد. در این مقاله تحقیقی عوامل موثر بر قاچاق و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در مواجهه با آنها به صورت دقیق‌تری مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به لحاظ روشی در جای مناسب خود از فرمول‌های مرتبط اقتصادی

بهره جست‌ایم و سپس به تحلیل روابط این موضوع با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته و در نهایت به یک مدل دست یافته‌ایم که می‌تواند روابط این دو موضوع را روشن سازد سپس به دلایل ترجیح و افزایش تقاضا برای کالاهای خارجی خواهیم پرداخت. نتیجه آنکه از آنجایی که این سیاست‌ها با هدف استقلال اقتصادی کشور نوشته شده، بکارگیری آن تاثیر فراوانی بر کاهش قاچاق خواهد داشت. این مقاله در واقع روش‌های مبارزه با قاچاق کالا را بر اساس رهنمودها و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بازنویسی می‌کند. در تمام مقاله تلاش شده تا نکات مهم و تاثیرگذار بر قاچاق از دل سیاست‌های ابلاغی استخراج شود. نمودار شماره (۱) نتایج حاصله این مقاله یعنی عوامل موثر بر افزایش قاچاق کالا و همچنین شیوه‌های مقابله با توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مرتبط را بصورت خلاصه نشان می‌دهد.

کلید واژه‌ها: قاچاق کالا و ارز، اقتصاد مقاومتی، فرهنگ و اقتصاد، سیاست‌های

اقتصاد مقاومتی



۱. مقدمه

قاچاق به ورود و خروج غیررسمی کالا از مرزهای کشور اطلاق می‌شود. گسترش این نوع از فعالیت‌های اقتصادی اثرات فراوانی بر رشد اقتصاد، وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشورها داشته و از این رو بررسی علل و آثار آن مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان و دولتمردان قرار گرفته است. دلیل و انگیزه افراد فعال در قاچاق یکسان نیست. بخشی از قاچاق کالا مربوط به کالاهایی است که تولید، توزیع و مصرف آنها غیرقانونی است و بنابراین از دید و کنترل دولت پنهان می‌گردند. بدلیل اثرات نامطلوب این کالاهای غیرقانونی مانند مواد مخدر یا مشروبات الکلی بر فرهنگ و رفاه جامعه، هدف مبارزه و مقابله با آن است.

بخش دیگری از قاچاق مربوط به کالاهایی است که ماهیت قانونی دارند اما با انگیزه‌های اقتصادی مانند نپرداختن تعرفه‌ها یا مالیات بصورت پنهان وارد یا از کشور خارج می‌شوند. در این مورد بخصوص باید بین مبادله غیررسمی کالا توسط مرزنشینان و قاچاق سازمان‌یافته تفکیک قائل شد. مبادله غیررسمی کالا توسط مرزنشینان یا به دلیل ساختار و ارتباطات سنتی و قدیمی است که در این صورت آگاه‌سازی افراد درباره مضرات قاچاق ضروری است. گاه نیز عدم توسعه و معضلات اقتصادی نقاط مرزی مانند بیکاری بالا، در واقع مرزنشینان را مجبور به مبادله غیررسمی کالاها می‌کند. به دلیل ارتزاق افراد از مبادله غیررسمی کالا، راه حل برطرف کردن مشکل اشتغال مرزنشینان است. به دلیل کوچک بودن مقیاس و حجم این مبادلات غیررسمی، مبارزه پرهزینه و با موفقیت کم همراه خواهد بود.

در مورد قاچاق سازمان‌یافته که با انگیزه‌های سوء اقتصادی صورت می‌گیرد، سیاست دولت می‌بایست ابتدا مبتنی بر پیشگیری و سپس مقابله باشد. نخست باید توجه کرد که چرا تقاضا برای کالاهای خارجی به‌ویژه قاچاق وجود دارد. کیفیت بالاتر و قیمت ارزانتر مهمترین دلایل ارجحیت این نوع از کالاهاست. یک دلیل عمده دیگر برای قاچاق سازمان‌یافته رانتهی است که در واردات غیررسمی و دور زدن قوانین دولتی وجود دارد. دولت می‌باید تا حد امکان با کاهش حجم، شفاف‌سازی و به روزرسانی مقررات دولتی رانت موجود در قاچاق را از بین ببرد.

رویکرد و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌تواند در پیشگیری یا مقابله با قاچاق در همه ابعاد و صورت‌های آن رهگشا باشد. در ادامه این مقاله عوامل موثر بر قاچاق و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در مواجهه با آنها به صورت دقیق‌تری مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. ابتدا در بخش دوم به دلایل ترجیح و افزایش تقاضا برای کالاهای خارجی خواهیم پرداخت. کاهش تقاضا برای کالای خارجی با رویکرد مقاومتی گامی مهم در پیشگیری از قاچاق کالا به حساب می‌آید. در بخش سوم به چرایی رواج قاچاق کالا به جای واردات رسمی پرداخته خواهد شد. دلایل اقتصادی و فرهنگی گرایش به قاچاق و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در این بخش به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش چهارم به ضعف‌های ساختاری در پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا خواهیم پرداخت. بخش پنجم جمع‌بندی و نتایج را ارائه می‌کند.

۲. افزایش تقاضا برای کالاهای خارجی و رویکرد اقتصاد مقاومتی در مواجهه با آن

تقاضای افراد از کالاهای مختلف به قیمت‌های نسبی و کیفیت محصولات بستگی دارد، از همین رو دلایل ترجیح و افزایش تقاضا برای کالاهای خارجی را نیز باید در کیفیت بالاتر و قیمت پایین‌تر آنها جست. در این بخش عوامل تاثیرگذار بر کیفیت و قیمت نسبی کالاهای خارجی مورد بحث و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در مواجهه با آن بررسی می‌شود.

الف) مطلوبیت کالاهای خارجی نسبت به داخلی

پایین بودن کیفیت کالاهای داخلی خود می‌تواند یا به دلیل استفاده از نهاده‌های نامرغوب بوده و یا اینکه تکنولوژی مورد استفاده در تولید این کالاها با تکنولوژی روز دنیا فاصله داشته است. استفاده از نهاده‌های بی کیفیت یا تکنولوژی قدیمی در تولید کالاهای داخلی عموماً با انگیزه کاهش هزینه تولید صورت می‌پذیرد. به عبارت دیگر تولیدات داخلی به این دلیل که توان رقابت به لحاظ قیمت با کالاهای وارداتی را ندارند، سعی می‌کنند تا حد ممکن از قیمت خود بکاهند و بنابراین از نهاده‌های با کیفیت پایین تر استفاده می‌کنند. این نکات در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منظور شده است.

در سیاست شماره (۲۴) استاندارد سازی کالاهای داخلی و ترویج آن به صراحت ذکر شده است. استاندارد سازی امکان تشخیص و تمایز بین کالاهای با کیفیت و محصولات نامرغوب را فراهم آورده و ازین طریق مانع تولید کالاهای بی کیفیت با هدف کاهش هزینه‌ها می‌شود. استاندارد سازی همچنین موجب شناخته شدن، افزایش فروش و بالا رفتن حاشیه سود کالاهای با کیفیت می‌شود و ازین طریق تولیدکنندگان را در تولید محصولات مرغوب تشویق می‌کند. سیاست اقتصاد مقاومتی شماره (۴) هدفمندسازی یارانه‌ها را به درستی فرصتی برای افزایش کیفیت تولید کالا و ارتقاء بهره‌وری معرفی می‌کند. هدفمندسازی یارانه‌ها بنگاه‌های تولیدی را وامی‌دارد تا از تکنولوژی‌های پیشرفته روز استفاده کنند و ازاین طریق بهبود کیفی تولیدات داخلی را نیز به همراه دارد. هدفمندسازی یارانه‌ها راهکاری عملی برای ارتقاء توان تکنولوژیک در تولید و افزایش کیفیت محصولات می‌باشد.

البته باید توجه داشت که بی‌کیفیت دانستن تمام کالاهای داخلی دور از واقعیت است. ایران کشوری با منابع اولیه فراوان و صنعتی تاریخی است. بسیاری از محصولات داخلی از کیفیتی مناسب برخوردار بوده که در شرایط برابر با کالاهای خارجی قابل رقابت است اما عدم شناخت یا ناآگاهی در این زمینه موجب شده تا این محصولات نتوانند جایگاه شایسته خود را در سبد مصرفی خانواده‌ها بدست بیاورند. بکارگیری سیاست‌های مدیریتی روز دنیا در فروش محصولات داخلی و حمایت از برند سازی یک ضرورت است. نکته پراهمیت دیگر فراهم کردن امکان تشخیص کیفیت کالا برای مصرف کننده است. استقرار سامانه تعیین اصالت کالا در واقع حمایت از تولید کالاهای با کیفیت است.

خوشبختانه در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده از این نکته نیز غفلت نشده است. در سیاست ابلاغی شماره (۸) در کنار برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری تولید، بر مدیریت مصرف با تاکید بر اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی نیز تاکید شده است. تبلیغات صحیح و حمایت از برندسازی شرکت‌های معتبر در کنار ایجاد سامانه تعیین اصالت کالا هدف ترویج مصرف کالاهای داخلی و گنجاندن محصولات داخلی با کیفیت در سبد مصرفی خانواده‌های ایرانی را تامین خواهد کرد.

ب) کاهش هزینه‌های تولید کالا در داخل

همانگونه که گفته شد یکی از دلایل اینکه افراد کالاهای خارجی را به تولیدات داخل ترجیح می‌دهند، قیمت نسبی پایین‌تر این کالاهاست. دلایل بالا بودن قیمت کالاهای تولید داخل را می‌توان در چهار مورد پایین بودن بهره‌وری، بالا بودن هزینه تولید، بالا بودن هزینه توزیع و در نهایت عدم زیرساخت‌های لازم برای تولید خلاصه کرد.

بهره‌وری عبارت است از کالا یا خدمات تولید شده در ازاء هر واحد انرژی یا کار صرف شده در تولید. به دلیل محدودیت منابع تولید، بهره‌وری یکی از مهمترین اصول تولید اقتصادی است. افزایش بهره‌وری به معنی افزایش تولید یا کاهش هزینه‌هاست که حاشیه سود بنگاه را افزایش می‌دهد. شاخص‌های متعددی برای اندازه‌گیری بهره‌وری وجود دارند که از آن جمله می‌توان به بهره‌وری کار و سرمایه اشاره کرد. مطابق برآوردهای بانک مرکزی ایران^{۲۰} بهره‌وری کار در ایران سال ۸۶ به نسبت سال ۷۶ تنها ۲۱ درصد یعنی با نرخ رشد سالانه کمتر از ۲ درصد افزایش یافته است. بهره‌وری سرمایه وضعیت به مراتب بدتری دارد بطوریکه در همان مدت (سال ۸۶ به نسبت ۷۶) این شاخص تنها یک درصد رشد داشته است. در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر افزایش بهره‌وری تاکید شده است. در سیاست ابلاغی شماره (۳) آمده است که رشد بهره‌وری در اقتصاد ایران باید با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و بکارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع جغرافیایی و مزیت‌های منطقه‌ای صورت پذیرد. در سیاست ابلاغی شماره (۴) نیز بر رشد بهره‌وری از طریق هدفمندسازی یارانه‌ها تاکید شده است.

دلیل دوم یعنی بالا بودن هزینه تولید در گران بودن مواد اولیه و یا در قدیمی بودن تجهیزات و تکنولوژی تولید ریشه دارد. حمایت از تولید در تامین مواد اولیه در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دیده شده است. در سیاست ابلاغی شماره (۶) بر افزایش تولید داخلی نهاده‌ها به‌ویژه کالاهای اساسی و محصولات راهبردی وارداتی تاکید شده است. در سیاست ابلاغی شماره (۷) نیز اولویت سیاسی افزایش کمی و کیفی مواد اولیه به منظور تامین غذا و

درمان یا دیگر کالاهای اساسی و ذخایر راهبردی تصریح شده است.

پایین بودن سطح تکنولوژی و قدیمی بودن تجهیزات رانیز می‌توان از دو دیدگاه عدم دسترسی به تکنولوژی بالاتر یا عدم انگیزه در بکارگیری تکنولوژی بالاتر بررسی کرد. بی‌میلی صنایع داخلی در بکارگیری تکنولوژی‌های روز به دلیل تقاضای تضمین شده یا نبود رقابت بین تولیدکنندگان است. چگونگی ورود تکنولوژی یکی از مباحث عمده و چالش‌برانگیز است اما می‌توان از سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان یکی از راه‌های ورود تکنولوژی نام برد. افزایش سرمایه‌گذاری خارجی علاوه بر ارتقاء تکنولوژی موجب افزایش رقابت در بازار نیز می‌گردد. در سیاست ابلاغی شماره (۱۰) اقتصاد مقاومتی بر سرمایه‌گذاری خارجی با هدف افزایش توان صادراتی کشور تاکید شده است. هدفمندی یارانه‌ها مصرح در سیاست ابلاغی شماره (۴) نیز تاثیری فراوان بر ارتقای نظام تولید دارد. این دو سیاست در کنار هم، عرضه تکنولوژی جدید از طریق سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش تقاضا برای بکارگیری آن از طریق اجرای هدفمندی یارانه‌ها به تدریج موجب ارتقاء توان تکنولوژیک تولیدات داخل خواهد شد. بکارگیری تجهیزات پیشرفته و به‌روز موجب کاهش هزینه‌ها و بهبود کیفیت تولیدات داخلی می‌شود.

سومین دلیل در بالا بودن قیمت تولیدات داخلی، هزینه‌های توزیع است. شبکه توزیع همانند تولید با قدیمی بودن تکنولوژی و مشکلات زیرساختی روبروست. در کنار سرمایه‌گذاری خارجی، اجرای سیاست‌هایی به منظور ارتقاء آموزش، مهارت و خلاقیت راهگشا خواهد بود. در سیاست ابلاغی شماره (۵) به صراحت به زنجیره تولید تا مصرف و نقش آموزش، خلاقیت و مهارت عوامل تولید به‌ویژه نیروی کار تاکید شده است. سیاست شماره (۲۲) نیز دولت را مکلف کرده است تا تمام ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی کشور را شناسایی و بکار گیرد. نبود زیرساخت‌های لازم برای تولید نیز یکی دیگر از مشکلات و دلایل بالا بودن هزینه‌های تولید است.

گسترش اقتصاد دانش بنیان نقشی مهم در ایجاد زیرساخت‌های تولید دارد. در سیاست ابلاغی شماره (۲) به درستی و صراحت به نقش اقتصاد دانش بنیان، اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه کشور در تولید و صادرات اشاره شده است. ایجاد زیرساخت‌های تولید به سرمایه‌گذاری نیاز دارد.

صندوق توسعه ملی نقشی مهم در فراهم آوردن سرمایه و تامین مالی برای رفع مشکلات تولیدی بخش خصوصی دارد. در سیاست ابلاغی شماره (۱۸) بر افزایش سالانه سهم صندوق از درآمد نفت اشاره شده است.

ج) افزایش هزینه واردات کالا

یکی دیگر از دلایل ترجیح کالاهای خارجی، ارزان بودن واردات است. نرخ ارز حقیقی قیمت نسبی کالاهای تولید داخل به کالاهای وارداتی است و نشان از توان رقابتی کشور در بازارهای جهانی دارد. بر اساس فرمول شماره (۱) سه عامل موجب تغییر نرخ ارز حقیقی می‌شوند.

$$(1) \dot{r} = (\dot{e} \times p_f) - \dot{p}_n$$

عامل اول نرخ ارز اسمی یا به عبارتی قیمت دلار است. افزایش قیمت دلار موجب گران شدن کالاهای وارداتی و افزایش توان رقابتی تولید داخل و در نتیجه افزایش صادرات می‌شود. برای حفظ توان رقابتی تولید داخلی (ثابت ماندن نرخ ارز حقیقی) تغییرات نرخ ارز اسمی می‌باید متناسب با تورم داخل و جهانی باشد^{۲۱}. نرخ تورم دو رقمی در سه دهه گذشته در کنار کنترل نرخ ارز اسمی بواسطه دلارهای نفتی به شدت از توان رقابتی تولیدات داخل کاسته است. نرخ ارز حقیقی در سال ۸۶ به نسبت سال پایه ۷۶ حدود ۳۰ درصد کاهش یافته یا به عبارتی در طی این مدت تولیدات داخلی ۳۰ درصد از توان رقابتی خود را تنها به دلیل تورم داخل و کنترل قیمت دلار از دست داده است^{۲۲}.

وفور دلارهای نفتی که در واقع از طریق مکانیسمی خارج از اقتصاد به دست آمده‌اند و تزریق آنها توسط بانک مرکزی در اقتصاد باعث گردیده تا ارزش دلار کمتر از میزان متناسب آن با اقتصاد داخل تعیین گردد. ارزان فروختن دلار به واردکنندگان موجب افزایش واردات و رواج مصرف کالاهای خارجی به دلیل ارزانی می‌گردد که در بلند مدت با کاهش تدریجی توان رقابت تولیدات داخل می‌تواند منجر به این گردد که واردات

$$۲۱. \dot{r} = 0 \Rightarrow \dot{e} = \dot{p}_f - \dot{p}_n$$

برخی از کالاها با صرفه‌تر از تولید آنها گردد. پس می‌توان گفت دلیل مهم ارزانی کالاهای خارجی در واقع سیاست‌های غیر واقع بینانه‌ای است که در طی این سال‌ها موجب تضعیف صنعت داخل و افزایش واردات گشته است. سیاست ابلاغی شماره (۱۹) اقتصاد مقاومتی نیز بر شفاف‌سازی اقتصاد و از بین بردن زمینه‌های فساد در حوزه‌های پولی، تجاری و ارزی تاکید دارد.

مطابق فرمول (۱) عامل تاثیرگذار دیگر قیمت کالاهای وارداتی است که در تعیین آن تعرفه‌های گمرکی نقش بالایی دارند. افزایش تعرفه‌های تجاری را نمی‌توان یک سیاست جامع برای مبارزه با قاچاق دانست زیرا با افزایش هزینه واردات رسمی، تقاضا برای کالاهای خارجی از طریق قاچاق تامین می‌شود. به عبارت دیگر افزایش تعرفه باعث می‌شود تا قاچاق جایگزین واردات رسمی گردد. مداح و نعمت الهی^{۲۳} با بررسی نرخ تعرفه ۹۷ گروه کالایی از ۱۲ شریک مهم تجاری نتیجه گرفتند که هر ۱ درصد افزایش در نرخ تعرفه موجب افزایش ۰/۹ درصدی فرار مالیاتی واردات (قاچاق) می‌شود. این مهم در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی شماره (۱۷) و (۱۹) مورد توجه قرار گرفته‌اند. در سیاست شماره (۱۹) به درستی بر شفاف‌سازی و از بین بردن زمینه‌های فساد در حوزه‌های تجاری و نه افزایش تعرفه‌ها تاکید شده است.

سیاست اجرای پنجره واحد تجاری راهکاری عملی برای تسهیل تجارت و شفاف‌سازی است. پنجره واحد تجارت به مجموعه‌ای از تسهیلات به تجار، سرمایه‌گذاران و شرکتهای دخیل در امر حمل و نقل و ترانزیت گفته می‌شود که به آنان این امکان را می‌دهد تا تمام اسناد قانونی (اظهارنامه‌های گمرکی، درخواست واردات و صادرات، موافقتنامه‌های اصولی، صورتحساب‌های تجاری، درخواست مجوز سرمایه‌گذاری) در خصوص انجام یک نوع تجارت یا سرمایه‌گذاری خاص را به یک واحد یا یک محل ارائه و مجوزهای لازم را در همانجا دریافت نمایند. سیاست پنجره واحد تجاری با کاهش هزینه‌های عملیاتی موجب جابجایی افراد و سرمایه‌ها از قاچاق به واردات رسمی می‌شود.

۲۳. مداح و نعمت الهی (۱۳۹۰)

۳. دلایل اقتصادی و فرهنگی گرایش به قاچاق کالا و رویکرد اقتصاد

مقاومتی در مواجهه با آن

در بخش قبل به تفصیل به دلایل افزایش تقاضا برای کالاهای خارجی پرداخته شد، در این بخش به این مسئله پرداخته خواهد شد که چرا واردات کالا به روش غیررسمی یعنی قاچاق صورت می‌گیرد. ابتدا عوامل موثر بر رواج قاچاق و رویکرد اقتصاد مقاومتی در مواجهه با آن در دو قسمت دلایل اقتصادی و دلایل فرهنگی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۳-۱. دلایل اقتصادی قاچاق

چرا افراد یا برخی فعالان اقتصادی قاچاق را به روش رسمی واردات ترجیح می‌دهند. در قسمت قبل تاثیر تعرفه‌ها و اختلالات ارزی بر تقاضای مورد بحث قرار گرفت. در این قسمت دو عامل دیگر موثر بر فعل قاچاق یعنی هزینه پایین قاچاق و ضعف در برخورد قضایی با قاچاق به عنوان یک عمل غیرقانونی ارزیابی خواهد شد.

الف) هزینه پایین قاچاق: قاچاق کالا بخشی از اقتصاد غیررسمی یا فعالیت‌های اقتصادی پنهان از نظر دولت است. قاچاق کالا به دلیل نپرداختن حقوق گمرکی و همچنین استفاده از نیروی کار ارزان قیمت هزینه کمتری به نسبت واردات رسمی دارد. نظریات گوناگونی در مورد دلایل رشد اقتصاد غیررسمی مطرح شده که هر کدام یکی از ابعاد یا انگیزه‌های فعالین این حوزه را مورد بررسی قرار می‌دهد. حقوق گمرکی مانند مالیات عمل کرده و با افزایش هزینه واردات رسمی، افراد و تجار را به سمت واردات غیررسمی سوق می‌دهد. یکی دیگر از تئوری‌ها با عنوان «بازار نیروی کار دوگانه» در سال ۱۹۷۲ ارائه شده توسط سازمان بین‌المللی کار نیز به چرایی استفاده از نیروی کار ارزان در اقتصاد غیررسمی می‌پردازد. این تئوری بازار نیروی کار را به صورت دو قسمت جداگانه، «کار خوب»^{۲۴} و «کار بد» معرفی می‌کند که افراد بسته به توانایی‌های مالی و شغلی خود در آن مشغول به فعالیت هستند. کار خوب به فعالیت در اقتصاد رسمی و کار بد به فعالیت غیررسمی اطلاق می‌شود.

۲۴. "Decent Work"

بر طبق این تئوری دو بخش رسمی و غیررسمی ارتباطی با یکدیگر ندارند و تنها نقش اقتصاد غیررسمی ایجاد درآمد برای افراد فقیر است. بر این اساس می‌توان گفت که یکی از دلایل رشد قاچاق در نقاط مرزی فقر یا توسعه نیافتگی است. ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و افزایش درآمد در نقاط مرزی منجر به افزایش تجارت در این نقاط می‌شود و به تدریج از واردات به شیوه غیررسمی یعنی قاچاق می‌کاهد. توسعه و آمایش سرزمین، افزایش درآمد و کاهش نابرابری در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد اشاره قرار گرفته است. در سیاست شماره (۱) ابلاغی بر توسعه کارآفرینی و افزایش درآمد طبقات کم درآمد و متوسط تاکید شده است.

بر طبق این تئوری اقتصاد غیررسمی به دلیل رشد پایین و ناتوانی در ایجاد شغل و جذب نیروی کار ایجاد می‌شود و بنابراین راه حل افزایش رشد اقتصادی و کاهش بیکاری است. افراد فعال در اقتصاد غیررسمی به دلیل بیکاری و فقر در واقع مجبور به فعالیت قاچاق می‌شوند. ایجاد اشتغال رسمی و درآمد برای مرزنشینان موجب کاهش فعالیت پنهان و غیررسمی واردات می‌شود. این مهم در سیاست شماره (۱) مورد توجه قرار گرفته است. در این سیاست فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی به عنوان راهکار توسعه و افزایش درآمد معرفی شده است.

ب) ضعف در برخورد قضایی: شیوه غیررسمی واردات کالا از طریق دور زدن قوانین و گمرکات عملی غیرقانونی است که با مجازات همراه است. سنگین بودن مجازات‌ها با افزایش هزینه قاچاق موجب کاهش واردات غیررسمی می‌شود. البته شدت مجازات به تنهایی تاثیرگذار نیست بلکه کارایی پلیس و سیستم قضایی در کشف و برخورد با متخلفان نیز از اهمیت برخوردار است. یک مجازات شدید وقتی احتمال کشف و برخورد ناچیز باشد بازدارنده نخواهد بود. اقتصاد جرم با یک تحلیل صرفا اقتصادی، رفتار عقلایی مجرمان را مورد تاکید قرار می‌دهد. جرمی که فعالیت اقتصادی است که یک فرد پس از تحلیل هزینه — فایده تنها در صورتی که خالص منافع مورد انتظار ناشی از جرم بیش از منافع فعالیت‌های قانونی باشد در آن شرکت می‌نماید. تعداد جرم توسط هر شخص تابع احتمال محکومیت، مقدار مجازات و دیگر متغیرها

مانند مقدار درآمد قابل دسترس در فعالیتهای قانونی و فعالیتهای غیرقانونی است. جدیت پلیس و دستگاه قضایی در مبارزه با قاچاق کالا با افزایش احتمال دستگیری و محکومیت موجب افزایش هزینه قاچاق شده و رانت موجود در این فعالیت را از بین می برد. مطالعه پژوهان و مداح^{۲۵} وجود یک رابطه معکوس بین جریمه و مقدار قاچاق را تایید می کند. در این مطالعه، رویکرد قانون گذار در مبارزه و مجازات نقدی قاچاق کالا تاثیرگذارترین عامل بر قاچاق شناخته شد که بر اساس آن هر ۱۰ واحد افزایش در شاخص جرایم موجب افزایش ۴/۵ درصدی قاچاق کالا می شود. به نظر می رسد که از طریق سیاست ابلاغی شماره (۱۲) می توان به این هدف دست یافت. در این سیاست افزایش مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد از طریق گسترش همکاری با کشورهای همسایه، دیپلماسی اقتصادی و استفاده از ظرفیت سازمان های بین المللی و منطقه ای مورد توجه و توصیه اکید قرار گرفته است.

۲-۳. دلایل فرهنگی قاچاق

اما تنها انگیزه ها و دلایل اقتصادی نیستند که بر قاچاق تاثیرگذارند. قاچاق به عنوان یک عمل غیرقانونی، نمی تواند مورد پذیرش جامعه قرار گیرد. در این بخش به دلایل فرهنگی و اجتماعی مصرف قاچاق کالا، چشم پوشی و جدی نگرفتن مبارزه با آن خواهیم پرداخت و راهکارهای فرهنگی متقابل با تکیه بر سیاست های اقتصاد مقاومتی ارائه خواهد شد. اولین و یکی از مهمترین دلایل فرهنگی رواج قاچاق فرهنگ تجمل گرایی و اسراف است. تغییر سبک زندگی ایرانی در چندسال گذشته موجب افزایش شدید مصرف کالاهای خارجی و قاچاق شده است. اصلاح الگوی مصرف و تلاش برای تثبیت سبک زندگی ایرانی پر تاثیرترین نوع حمایت فرهنگی از کالاهای تولید داخل است و قاچاق کالا را کاهش می دهد. در سیاست ابلاغی شماره (۸) بر مدیریت مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی توصیه شده است.

درباره چرایی تغییر سبک زندگی و رواج تجمل گرایی نباید از تاثیر تبلیغات

۲۵. پژوهان، جمشید؛ مداح، مجید (۱۳۸۵)

ماهواره‌ای و عدم آشنایی مردم غافل بود. برای کاهش اثرات سوء این تبلیغات نخستین راهکار مقابله تبلیغاتی و تقبیح اسراف است. دومین راهکار آموزش مردم و آگاه‌سازی آنان از تاثیرات نامطلوب مصرف کالاهای خارجی و قاچاق بر اقتصاد کشور است. در سیاست ابلاغی شماره (۲۱) تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به‌ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای تصریح شده است. آگاه کردن مردم موثرترین روش برای خنثی‌سازی تبلیغات ماهواره‌ای و تثبیت سبک زندگی ایرانی است.

چشم‌پوشی و جدی نگرفتن قاچاق نیز از جمله دلایل فرهنگی است که باعث شده تاثیر سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی مبارزه و مقابله با قاچاق کم اثر شود. این مشکل نیز تا حدی به دلیل ناآگاهی از اثرات و پیامدهای قاچاق است. قاچاق کالا موجب کاهش رشد اقتصادی، کاهش درآمد، افزایش بیکاری و در نهایت کاهش رفاه و عقب‌ماندگی کشور می‌گردد و بنابراین مردم باید از این اثرات مطلع شوند. علاوه بر آموزش و آگاه‌سازی، ترویج روحیه کار و تولید نیز باعث می‌شود تا مبارزه با قاچاق جدی‌تر شود. مبارزه با قاچاق در یک جامعه تنبل، غیرفعال، پرمصرف و تجمل‌گرا به سختی می‌تواند با موفقیت همراه باشد. در سیاست ابلاغی شماره (۲۰) بر تقویت فرهنگ کار جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید، بهره‌وری، کارآفرینی و سرمایه‌گذاری تاکید شده است.

۴. ضعف در مقابله با قاچاق کالا و ارز و رویکرد اقتصاد مقاومتی برای بهبود آن

دلایل اقتصادی و فرهنگی مصرف کالاهای خارجی و رواج قاچاق کالا به تفصیل در دو بخش قبلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در مواجهه با آن معرفی گردید. اما به هر حال باید توجه داشت که نمی‌توان قاچاق را به صفر رساند و همواره عده‌ای سودجو وجود دارند که به دنبال قاچاق و رواج فساد هستند. دو بخش قبلی به راهکارها و سیاست‌های ضروری برای از بین بردن زمینه قاچاق اختصاص داشت، اما در نقطه مقابل این بخش به بررسی ضعف زیرساخت‌های اقتصاد در مقابله و مبارزه با قاچاق می‌پردازد. نقاط ضعف زیرساخت‌های موجود را می‌توان در دو دسته ضعف در پیشگیری از ورود کالای قاچاق و ضعف در مقابله با حمل و توزیع تقسیم کرد.

۱-۴. مشکلات مربوط به مرزبانی و جلوگیری از ورود یا خروج کالاهای قاچاق

گمرکات رسمی کشور و مرزهای کنترل نشده دو راه برای ورود یا خروج کالای قاچاق می‌باشند. گمرکات نقاط مرزی هستند که برای ورود و خروج کالا و مسافر از کشور طراحی شده‌اند و تحت کنترل دولت قرار دارند. در نگاه اول شاید قابل فهم نباشد که چگونه کالاها ممکن است از گمرکات کشور که تمام مبادلات در آن ثبت می‌شوند، صورت گیرد. نکته اما در همان کیفیت ثبت و کنترل کالاهاست. نقاط ضعف در گمرکات کشور و همچنین ضعف در کنترل دیگر مرزها موضوع بحث این بخش است که به دلایل آن و راهکارهای اقتصاد مقاومتی در مواجهه با آن پرداخته خواهد شد.

الف) ضعف در گمرکات: دولت کنترل و نظارت خود را با ثبت ورود و خروج کالا و مسافر در گمرکات اعمال می‌کند هرچند به دلیل ضعف در تجهیزات یا ساماندهی ممکن است فرآیند ثبت ناقص و پرخطا باشد. خطای در ثبت یا عدم نظارت و کنترل دقیق این فرصت را برای سودجویان فراهم می‌کند تا با گزارش غلط از مالیات واردات فرار کنند. مجهز کردن گمرکات با پیشرفته‌ترین تجهیزات و ساماندهی فرآیندهای بازرسی می‌تواند تا حد زیادی از قاچاق کالا جلوگیری کند. این مهم در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار گرفته است. نخست اینکه سیاست شماره (۳) بر رشد بهره‌وری و توانمندسازی نیروی کار در مناطق و استان‌های مختلف کشور تاکید دارد. در سیاست شماره (۱۶) نیز صرفه‌جویی در هزینه‌ها از طریق تحول ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور مورد توجه قرار گرفته است. چابک‌سازی دولت و حذف مقررات و فرآیندهای زائد موجب افزایش شفافیت شده و افزایش کیفیت کنترل و نظارت در گمرکات را به دنبال دارد. در سیاست شماره (۱۱) به‌طور صریح بر تجهیزات و فناوری‌های مورد استفاده در گمرکات اشاره دارد. در این سیاست بر توسعه حوزه عمل مناطق آزاد به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید و صادرات تاکید شده است.

دلیل دیگر برای ثبت نادرست و ناقص اطلاعات ورود و خروج در گمرکات فساد

اداری^{۲۶} است. فساد اداری یا فساد سطح پایین^{۲۷} می‌باشد که به فعالیت‌های فرصت‌طلبانه کارمندان مجری اطلاق می‌شود. این نوع از فساد در نقطه مقابل فساد گسترده و سیستمیک^{۲۸} قرار می‌گیرد که به فساد در تمام ارکان حکومت از قانون‌گذاری تا اجرای قانون اطلاق می‌شود. فساد سیستمیک در سه حالت متصور است. نخست فساد سیاسی یا انتخاباتی، دوم تسخیر دولت توسط گروه‌های سازمان‌یافته یا رانت‌جو و سوم باج‌خواهی (Kickbacks) دولت در تخصیص بودجه و اجرای پروژه‌ها. اگرچه گروه‌های پرنفوذ با اخذ معافیت‌های گمرکی رانت اقتصادی بزرگی را به دست می‌آورند اما مشمول قاچاق کالا نمی‌شوند؛ زیرا در چهارچوب قوانین و مقررات صورت می‌گیرند. موضوع مورد بحث در این بخش فساد اداری است که رابطه نزدیکی با قاچاق یا اقتصاد غیررسمی دارد.

قاچاق و فساد اداری در واقع دو روی یک سکه هستند. واردکنندگان غیررسمی برای پنهان شدن ناچارند تا به کارمندان و بازرسان گمرک رشوه بپردازند یا در حالتی دیگر رشوه‌خواری کارمندان و بازرسان خود ممکن است دلیلی برای پنهان شدن یا قاچاق باشد. مطالعات نظری و تجربی مختلف از رابطه مثبت و مکمل بین قاچاق (اقتصاد غیررسمی) و فساد اداری حکایت دارند. جانسون، کافمن و شلابفر (۱۹۹۷) بر این عقیده‌اند که رشوه همانند یک مالیات اضافه بر فعالین اقتصاد رسمی وارد می‌شود و به همین دلیل فعالین اقتصادی را به پنهان شدن ترغیب می‌کند. فساد اداری به دلایل گوناگونی از جمله حجم بالای مقررات دولتی، تمرکز بالا در قانون‌گذاری و اجراء فرهنگ یا حتی دستمزدهای ناکافی و عدم رضایت کارمندان اتفاق می‌افتد. بهبود و شفاف‌سازی نظام تعرفه‌ای، از بروز فساد جلوگیری می‌کند.

خوشبختانه در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به فساد و آثار مخرب آن توجه شده است. در سیاست ابلاغی شماره (۱۹) بر شفاف‌سازی اقتصاد و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها یا زمینه‌های فسادزا توصیه شده است. شفاف‌سازی قوانین و حذف مقررات موازی و زائد می‌تواند تا حد زیادی از بروز فساد و رشوه‌گیری بکاهد. به دلیل رابطه

۲۶. Buroucratic Corruption

۲۷. Petty Corruption

۲۸. Grand, endemic or Systemic Corruption

مثبت و نزدیک فساد اداری و قاچاق بنابراین می‌توان انتظار داشت که این سیاست یعنی شفاف‌سازی و کاهش زمینه‌های فساد بر کاهش قاچاق نیز بسیار موثر است.

ب) قاچاق از طریق مرزهای کنترل نشده و غیررسمی: قاچاق از مرزهای کنترل نشده و مبادی غیررسمی به تامین امنیت مرزها برمی‌گردد که امری نظامی است. برای جلوگیری از قاچاق در وحله اول نظامیون باید از کارهای اقتصادی منع شوند زیرا نمی‌توان کنترل مرزها را به دست کسانی سپرد که می‌توانند از ورود و خروج کالا منتفع گردند. نظامیون می‌باید ورودی‌های غیرمجاز را به شدت تحت کنترل خود درآورده تا از این طریق از قاچاق کالا جلوگیری شود. بخش بزرگی از قاچاق کالا از بنادر و مرزهای آبی کشور صورت می‌گیرد. مرزداران می‌باید تمامی اسکله‌های غیرمجاز را تحت کنترل و نظارت خود درآورند. ساماندهی اسکله‌ها می‌تواند تا حد زیادی قاچاق کالا را کاهش دهد. ساماندهی کنترل مرزها و تجهیز مرزبانی‌ها یک ضرورت برای جلوگیری از ورود و خروج غیرقانونی کالاهای قاچاق به حساب می‌آیند. علاوه بر ساماندهی مرزهای داخلی، تقویت قراردادهای مرزی با کشورهای همسایه نیز بسیار تاثیرگذار است. از آنجایی که قاچاق دو یا چند کشور را در برمی‌گیرد همکاری با کشورهای همسایه در مبارزه با قاچاق بسیار اهمیت دارد. از آنجایی که سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بر زیرساخت‌ها و دلایل زیربنایی اقتصاد تاکید دارد، به نحوه کنترل مرزها پرداخته نشده است.

۲-۴. ضعف در مقابله با حمل و توزیع کالاهای قاچاق

به دو طریق می‌توان با عرضه و توزیع کالاهای قاچاق در داخل مقابله کرد. نخستین راه کنترل و نظارت بر گردش پول در کشور است. راه دوم نظارت بر توزیع و عرضه کالای قاچاق در بازار محصول است. متأسفانه زیرساخت‌های بازار پول، سیستم حمل و نقل و بازار محصول هر سه با ضعف‌ها و مشکلات ساختاری فراوانی روبروست. رفع این مشکلات برای مقابله با قاچاق بسیار ضروری است.

الف) عدم شفافیت در گردش پول: قاچاق در هر دو مرحله تامین مالی خرید و انتقال درآمد حاصله با بازار پول در ارتباط است. در مرحله اول یعنی تامین مالی خرید،

قاچاق به دلیل ماهیت پنهان بیشتر با استفاده از پول نقد صورت می‌گیرد. دلیل این امر نیز روشن است، ردگیری قاچاق از طریق مرادوات بانکی محتمل‌تر است. هرچند سیستم بانکی ایران چندان شفاف نیست و امکان استفاده از حساب‌ها و مرادوات بانکی در تامین مالی قاچاق وجود دارد. افزایش تعداد زیاد موسسات مالی غیرمجاز و همچنین عدم کنترل حساب‌های بانکی در یک دهه گذشته به احتمال فراوان موجب گسترش قاچاق کالا شده است. از همین رو نظارت بانک مرکزی بر گردش پول در کشور از طریق برخورد با موسسات مالی غیرمجاز و همچنین اصلاح نظام بانکی کامل‌کننده سیاست‌های مبارزه و مقابله با قاچاق خواهند بود.

در مرحله دوم از انتقال درآمد حاصله از قاچاق به بازار پول رسمی نیز باید جلوگیری شود. تزریق «پول کثیف» حاصل از قاچاق به سیستم پولی کشور بگونه‌ای که امکان شناسایی و ردگیری نداشته باشد «پولشویی» نام دارد. مبارزه با پولشویی شاید یکی از مهمترین و موثرترین راه‌های مقابله با قاچاق کالا است. شفاف‌سازی و کنترل و نظارت بر گردش پول رانت و منافع قاچاق را از بین می‌برد که خوشبختانه در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به این ضرورت توجه شده است. در سیاست ابلاغی شماره (۹) به اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور به منظور حمایت از تولید و ایجاد ثبات در اقتصاد تاکید شده است.

ب) ضعف نظارت در بازار محصول: علاوه بر کنترل و نظارت بر گردش پول حاصل از قاچاق، کالاهای قاچاق خود در بازار محصول قابل ردیابی است. نخستین مرحله برای ردیابی محصول کنترل سیستم حمل و نقل است. استقرار سامانه نظارت بر حمل و نقل در مبارزه با قاچاق کالا بسیار تاثیرگذار است. مرحله دوم ردیابی کالاهای قاچاق در سطح خرده‌فروشی است. سازمان‌های بازراننده نقش مهمی در کنترل و نظارت بر بازارها دارند. تقویت کنترل و ساماندهی این سازمان‌ها نیز بخشی از سیاست ابلاغی شماره (۱۶) است که بر چابک‌سازی دولت و حذف دستگاه‌های موازی تاکید دارد. به منظور کنترل و نظارت دقیق باید امکان شناسایی کالای قاچاق وجود داشته باشد. استقرار سامانه شناسایی کالا موجب شناسایی کالاهای قاچاق شده و در مبارزه با آن بسیار تاثیرگذار خواهد بود. سیاست ابلاغی شماره (۲۲) به مدیریت مخاطرات

اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اخلاط‌های داخلی و خارجی تاکید دارد.

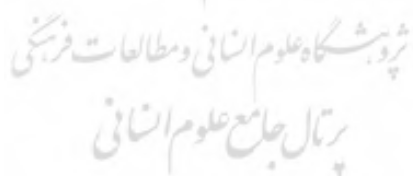
۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به سختی می‌توان در مورد اثرات نامطلوب قاچاق بر اقتصاد و فرهنگ جامعه به عراق سخن گفت. این اثرات نامطلوب باعث شده تا بسیاری از دولتمردان و سیاست‌گذاران تا اقتصاددانان و جامعه شناسان برای شناخت پدیده قاچاق به تحقیق بپردازند. در ادبیات گسترده این موضوع حجم بسیار زیادی از مطالعات به بررسی اثرات نامطلوب و همچنین علت‌ها و دلایل رشد قاچاق اختصاص دارد. پس از شناخت علل و آثار قاچاق باید در مورد چگونگی مقابله با آن سیاست‌گذاری کرد. نکته بسیار مهم در سیاست‌گذاری سازگاری آن با دیگر سیاست‌ها و اسناد بالادستی کشورهاست. عدم تطابق یا تضاد سیاست‌های اعمال شده با دیگر سیاست‌ها یا رویکردهای کلی کشور موجب سردرگمی و در نهایت شکست می‌شود.

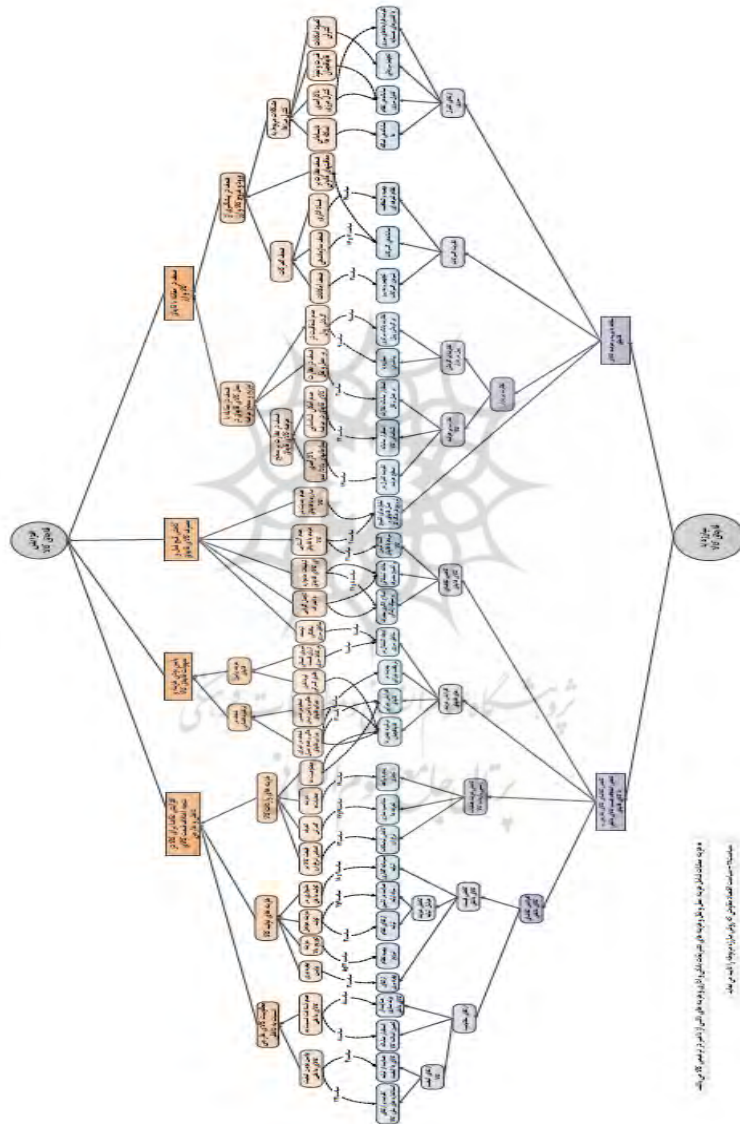
این مقاله به عوامل موثر بر افزایش قاچاق و روش مبارزه با آن با توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌پردازد. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مجموعه‌ای جامع از سیاست‌هاست که بکارگیری درست آن جهشی بزرگ در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور ایجاد می‌کند. از آنجایی که این سیاست‌ها با هدف استقلال اقتصادی کشور نوشته شده، بکارگیری آن تاثیر فراوانی بر کاهش قاچاق خواهد داشت. این مقاله در واقع روش‌های مبارزه با قاچاق کالا را بر اساس رهنمودها و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بازنویسی می‌کند. در تمام مقاله تلاش شده تا نکات مهم و تاثیرگذار بر قاچاق از دل سیاست‌های ابلاغی استخراج شود. نمودار شماره (۱) نتایج حاصله این مقاله یعنی عوامل موثر بر افزایش قاچاق کالا و همچنین شیوه‌های مقابله با توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مرتبط را بصورت خلاصه نشان می‌دهد. بکارگیری روش‌های مبارزه با قاچاق کالا بصورت سازگار با این سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به یقین نتایج بهتری در کاهش قاچاق و افزایش استقلال اقتصادی کشور به دنبال خواهد داشت.

منابع

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، «بهره‌وری اقتصاد ایران ۱۳۶۷-۱۳۸۶»، معاونت اقتصادی، ۱۳۸۹.
۲. پژوهشگران، جمشید؛ مداح، مجید (۱۳۸۵)، «بررسی اقتصادی قاچاق در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۶.
۳. خندان، عباس (بهار ۱۳۹۲)، «الگوی مصرف و سیاست حمایت از تولید داخل: تطابق یا تضاد»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۹۱.
۴. مداح، مجید؛ نعمت‌الهی، سمیه (۱۳۹۰)، «بررسی و تحلیل اثر نرخ تعرفه بر فرار مالیاتی در واردات ایران رویکرد اختلاف تجاری در سطح داده‌های دو رقیمی»، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۲.
5. Johnson, Simon, Daniel Kaufmann, and Andrei Shleifer (1997): The unofficial economy in transition, Brookings Paper on Economic Activity, 2, 159-221



نمودار (۱): عوامل موثر بر قاچاق کالا و روش‌های مبارزه با آن با عنایت به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی



داده‌های استفاده شده در این نمودار بر اساس گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و مرکز آمار ایران است.